

مشخصات آوایی واج‌ها و تأثیر آن در واج‌آرایی

مهدی قاسم‌زاده

دبیر ادبیات دبیرستان‌های گرمه

شب است و شاهد و شمشاد

چکیده

واج‌آرایی یکی از عوامل زیبایی لفظی سخن ادبی، به‌ویژه شعر است. این عامل همچون تمام عوامل موسیقی‌ساز در شعر، ابزاری دارد که همانا آوای واج‌های به‌کار رفته در یک سطر کلام ادبی یا یک مصراع یا بیت شعر است اما همه واج‌ها در این امر، قدرت یکسانی ندارند. هر واجی دارای مشخصه‌های آوایی خاصی است و مجموعه این مشخصه‌ها، میزان قدرت آن را در واج‌آرایی مشخص می‌کند که نگارنده در اصطلاح به آن «ظهور آوایی» اطلاق می‌کند. نگارنده در این مقاله بنا دارد دسته‌بندی واج‌های زبان را از لحاظ مشخصات آوایی، بیان و میزان تأثیرگذاری آن‌ها را بر واج‌آرایی بررسی کند. در این خصوص، می‌توان واج‌ها را به سه دسته قوی، متوسط و ضعیف تقسیم کرد. تکرار واج‌های ضعیف، هر چند با بسامد بالا، به‌دلیل ظهور آوایی ضعیف، ارزش بررسی به‌عنوان یک آرایه ادبی را ندارد.

کلیدواژه‌ها: واج‌آرایی، واج، آوا، ظهور آوایی

مقدمه

می‌دانیم که التذاذ جزء ذاتی و لاینفک هنر است و همین عامل، معانی و نتایج هر اثر هنری را جالب، جذاب و قابل هضم می‌کند، البته ابزار این التذاذ، تحریک حواس است، چه حواس ظاهر و چه حواس باطن.

یکی از اصلی‌ترین دلایل جذاب‌تر بودن نظم و شعر به نسبت نثر، لذتی سمعی است که موسیقی لفظ در آن‌ها ایجاد می‌کند؛ همان که استاد شفیعی کدکنی آن را «گروه صوتی» نامیده‌اند و شامل انواع تجنیس، تکریر و... است؛ در مقابل «گروه معنایی» که موسیقی برخاسته از روابط معنایی کلمات است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۳۰۷-۳۰۰)

محققان، عوامل سازنده موسیقی سمعی نظم و نثر را که از لفظ کلام برمی‌خیزد، به انواع بیرونی، درونی و کناری تقسیم کرده‌اند. از این میان، موسیقی درونی «یعنی مجموعه هماهنگی‌هایی که از رهگذر وحدت یا تشابه یا تضاد صامت‌ها و مصوت‌ها در کلمات

یک شعر پدید می‌آید.» (همان: ۳۹۲) لذا موسیقی درونی، حاصل هم‌نشینی و آرایش واحدهای زبانی در ساختار کلام است. این واحدهای زبانی هستند که لفظ کلام و لذا موسیقی سمعی ناشی از آن را به‌وجود می‌آورند. لذا شناخت این واحدها با توجه به اصول زبان‌شناسی، می‌تواند در بررسی موسیقی لفظی بسیار سودمند باشد؛ زیرا «هر اثر ادبی از واحدهای زبانی تشکیل شده است، پس تحلیل هنری آثار ادبی براساس روش‌ها و نظریه‌های علم زبان‌شناسی آسان‌تر... است.» (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۲۳) واج‌آرایی از جمله انواع موسیقی لفظی است که از تکرار کوچک‌ترین واحد زبانی، یعنی واج یا واج‌هایی در زنجیره کلام ناشی می‌شود و با توجه به تفاوت واج‌ها در بعضی مشخصات، از جمله قدرت ظهور در سطح آوا، همه آن‌ها تأثیر یکسانی بر واج‌آرایی ندارند.

در این مقاله، نگارنده بر آن است تا با بررسی تفاوت واج‌ها در حین به‌آوا درآمدن (ظهور آوایی)، بیان کند که واج‌ها از این نظر در سطوح متفاوتی هستند؛ تا جایی که بعضی از آن‌ها- حتی با وجود تکرار زیاد در واحدهای کلام- ارزش بررسی زیبایی‌شناسی را ندارند. واج‌آرایی به‌عنوان یکی از اقسام تکرار، در علم بدیع بررسی می‌شود و برای آن نام‌ها و تعاریفی قائل شده‌اند. از جمله:

«تکرار واک: یعنی تکرار یک صامت یا مصوت در چندین کلمه جمله و بر دو نوع است...» (شمیسا، ۱۳۶۸: ۵۷)

«هماوایی» آرایه‌ای است که یکی از گونه‌های تکرار می‌تواند بود؛ هماوایی آن است که سخنور آوایی (= حرف) را پی در پی در سخن خود بیاورد؛ و بدین‌سان آن را خنثایی ویژه ببخشد. (کزازی، ۱۳۷۳: ۸۴)

«واج‌آرایی یعنی آرایش موزیکی سخن از راه تکرار بجا و هنرمندانه یک یا چند واج.» (راستگو، ۱۳۷۶: ۳۰)

پس می‌توان گفت واج‌آرایی، موسیقی‌ای است که از ادای یک یا چند واج تکرار شده در سطح کلام به گوش می‌رسد و در مخاطب ایجاد احساس لذت شنوایی می‌کند. لذا در واج‌آرایی یک عامل اصلی، یعنی لذت شنیدن آوای واج تکرار شده وجود دارد و از آنجا که واج‌های زبان، ویژگی‌های آوایی یکسانی ندارند، تأثیر آن‌ها در واج‌آرایی یکسان نیست و برای دریافت این تفاوت باید- چنان‌که

در مقدمه آمد- به بررسی های زبان شناسی متوسل شد چون واج ها، واحد زبانی هستند و در زبان شناسی بررسی می شوند.

در بررسی های زبان شناسی، واج های زبان به دو دسته صامت (همخوان یا واک) و مصوت (واکه) تقسیم می شوند. واج های زبان به هنگام تولید از ابعاد مختلف، به انواعی تقسیم می شوند:

- از نظر عبور هوا از تارهای صوتی، به واک دار و بی واک تقسیم می شوند. به این نحو که اگر هوای بازدم به تارهای صوتی برخورد

هستند. واج های غلتی، «و» و «ی» مصوت هستند که عمدتاً به سوسی واک مجاور خود رانده می شوند یا غلت می خورند. (همان: ۵۹-۶۱)

از آنجا که ظهور آوایی بیشتر به نحوه تولید آواها بستگی دارد، دسته بندی سوم، یعنی دسته بندی بر اساس نحوه تولید واج ها، بیشتر در رسیدن ما به نتیجه مؤثر است و لذا نگارنده، این دسته بندی را معیار قرار داده و از موارد دیگر به مقتضای نیاز استفاده کرده است.

ع و ش ر اب شیرینی

کند، واج، واک دار و در غیر این صورت، بی واک است. (یول، ۱۳۷۴: ۵۳)

- از نظر جایگاه تولید، به دولبی، لب و دندانی، دندانی، لثوی، لثوی - کامی، نرم کامی و چاکنایی تقسیم می شوند. واج های «ب»، «پ» و «م»، دولبی هستند. واج های لب و دندانی، با دندان ها و لب پایین آوا می شوند؛ از جمله «و» و «ف». واج های دندانی، با قرار گرفتن نوک زبان در پشت دندان های بالا به آوا درمی آیند؛ از جمله «ث» که از واج های زبان فارسی نیست. واج های لثوی با قرار گرفتن نوک زبان در پشت دندان های جلویی بالا آوا می شوند. از جمله واج های ت، د و ن. لثوی - کامی ها آواهایی هستند که زبان در تولید آن ها، به بخش جلویی کام (سقف دهان) و مماس با لثه بالایی چسبیده و دفعتاً کنده می شود؛ مانند واج چ. نرم کامی ها واج هایی هستند که با چسبیدن زبان به نرم کام (قسمت نرم انتهای کام) تلفظ می شوند؛ از جمله ک و گ. واج چاکنایی در زبان فارسی، فقط «ه» است که بدون دخالت هیچ یک از اندام های گفتاری تولید می شود؛ یعنی از گلو تالاب ها، تمام حفره ها باز می ماند تا این واج، آوا شود. (همان: ۵۳-۵۷)

واج ها، با توجه به ویژگی هایی که ذکر شد، در هنگام «ظهور آوایی» متفاوت اند و در شدت و ضعف، با یکدیگر فرق دارند. به این معنی که گروهی از آن ها، قوی، گروهی متوسط و گروهی ضعیف ادا می شوند و لذا تأثیر آن ها در واج آرای می متفاوت است. بعضی از این گروه ها، آن قدر قوی ادا می شوند که تعداد کمی از آن ها در یک مصراع یا یک بیت، واج آرای ایجاد می کند. از جمله، واج های سایشی (س، ش، ف، ژ و ز) به دلیل تنگ بودن مجرای بازدم، بسیار قوی ادا می شوند و برای ایجاد واج آرای به بسامد بالایی نیاز ندارند:

اگرچه مستی عشقم خراب کرد ولی
اساس هستی من زان خراب آبادست

(حافظ/ ۳۵)

در بیت فوق، اگرچه تعداد «ا» شش مورد و تعداد «س»، چهار مورد است، آوای «س» گوش نوازتر است، لذا می توان گفت این بیت واج آرای «س» و «سپس» دارد.

لذا بر این اساس، واج ها را با توجه به نقششان در واج آرای، به سه دسته زیر تقسیم می کنیم:

الف) قوی: واج های سایشی از نظر ظهور، از بقیه قوی ترند؛ به ویژه س، ش، ز و ژ که هوا هنگام تولید آن ها از بین دندان ها عبور می کند و به آن ها - که از جنس سختی هستند - ساییده می شود و همین عامل، باعث ظهور آوایی قوی آن ها می شود. این قوت ظهور، باعث می شود که تکرار آن ها با تعداد کم، گوش نواز باشد و واج آرای به وجود آورد؛ به گونه ای که گاه می توان با تکرار سه واج از این دست، واج آرای را احساس کرد. این مسئله آن قدر پذیرفته شده است که بیشترین شواهد امثال واج آرای در کتب بدیع و از آن جمله کتاب آرایه های سال سوم انسانی (صص ۹۳-۹۵)، ابیاتی است که این واج ها در آن ها تکرار شده اند:

شرم از آن چشم سیه بادش و مژگان دراز
هر که دل بردن او دید و در انکار من است

(حافظ/ ۵۱)

واج آرای، موسیقی ای است که از ادای یک یا چند واج تکرار شده در سطح کلام به گوش می رسد و در مخاطب ایجاد احساس لذت شنوایی می کند

- از نظر نحوه تولید، واج ها، به انسدادی، سایشی، انفجاری سایشی، خیشومی (غنه)، روان و غلتی تقسیم می شوند. واج های پ، ب، ت، د، ک، گ و ث انسدادی هستند که در موقع تلفظشان، به مدت بسیار کوتاهی، راه هوا کاملاً بسته و سپس باز می شود و هوا به بیرون دهان راه می یابد. واج های سایشی، واج هایی هستند که در تلفظشان، راه هوای بازدم تا حدود بسیاری بسته می شود و فقط شکاف باریکی باقی می ماند که هوا از آن با فشار بیرون می آید؛ مانند س، ش، ز، ف، و (واو صامت). چ و ج انفجاری سایشی هستند که به مدت کوتاهی راه هوایشان بسته می شود و سپس باز و هوا با سایش به زبان و کام بیرون می آید. واج های م و ن، که قسمتی از آوایشان از طریق بینی بیرون می آید، خیشومی (غنه) هستند. در آوا شدن واج های روان، هوا از کناره های زبان که به کام چسبیده به بیرون دهان راه می یابد. واج های روان، ل و ر

دنباله مطلب در وبگاه نشریه